



جامعه جهانی

درس هفتم

چرا جامعه جهانی حالت های مختلفی به خود می گیرد؟

منظور از جامعه جهانی چیست؟

در هر دوره تاریخی، جوامع مختلف و شبکه روابط میان آنها، جامعه جهانی را می سازد.

جامعه جهانی براساس ویژگی های فرهنگی و قدرت تأثیرگذاری جوامع مختلف، حالت های متفاوتی به خود



می گیرد. **در چه صورت، جامعه جهانی از انسجام برخوردار خواهد بود؟**

● هنگامی که یک فرهنگ در سطح جهانی غالب باشد، به میزانی که آن فرهنگ، ویژگی های مطلوب یک فرهنگ

جهانی را داشته باشد، جامعه جهانی از انسجام برخوردار خواهد بود. اگر فرهنگ یا فرهنگ های غالب و اثر گذار،

ویژگی های مطلوب را نداشته باشند، جامعه جهانی با چالش های درون فرهنگی مواجه خواهد شد. **فرهنگ سلطه،**

جامعه جهانی را به بخش های مرکز و پیرامون تقسیم می کند؛ کشورهای پیرامون را به مرکز وابسته می سازد و

زمینه ستیز و چالش میان آنها را ایجاد می کند. **در چه صورت، جامعه جهانی با چالش های درون فرهنگی مواجه خواهد شد؟**

● **در چه صورتی چالش های جامعه جهانی از نوع چالش های بین فرهنگی و تمدنی خواهد بود؟ مثال بزنید**

فرهنگی و تمدنی رخ خواهد داد، در این صورت، چالش های جامعه جهانی نیز از نوع چالش های بین فرهنگی و

تمدنی خواهند بود. **مواجهه فرهنگ غرب با فرهنگ اسلام نمونه ای از چالش بین فرهنگ ها و تمدن ها در سطح**

جهان است. امروزه جامعه جهانی در چه وضعیتی قرار دارد؟ کدام یک از حالت های گفته شده بر جامعه جهانی

حاکم است؟

جامعه جهانی در گذشته و حال

جامعه جهانی تاریخ و سرگذشتی دارد. جامعه جهانی در گذشته چگونه بوده و در دوران جدید چه ویژگی‌هایی پیدا کرده است؟



■ در مرکز نقاشی دیواری شورای امنیت، پرندۀ افسانه‌ای ققنوس در حال پرواز از خاکستر، تصویر شده که نماد بازسازی جهان از ویرانه‌های پس از جنگ دوم جهانی است. در این تصویر نمادهای امید به آینده‌ای بهتر برای بشریت به کار رفته است.

جامعه جهانی در گذشته (قبل از ظهور غرب جدید)، از چه ویژگی‌هایی برخوردار بود؟

- 1 **جامعه جهانی قبل از ظهور غرب جدید به صورت امروز نبوده است؟** فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، هر یک در بخشی از جهان، حاکمیت سیاسی مربوط به خود را به وجود آورده بودند. روابط
- 3 **اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بین کشورهای مختلف با حاکمیت‌های متفاوت برقرار بود و جامعه جهانی که از طریق این روابط شکل می‌گرفت به گونه‌ای نبود که سرنوشت تعاملات فرهنگی را تابع روابط سیاسی، نظامی یا اقتصادی قرار دهد.** **5** به همین دلیل اگر برخی کشورها مورد هجوم نظامی قرار می‌گرفتند، **6** در صورتی که از ظرفیت فرهنگی برتری برخوردار بودند، گروه مهاجم را **فرهنگ‌های مختلف در زمان‌های گذشته، چگونه می‌توانستند از مرزهای جغرافیایی خود عبور کنند؟** درون خود هضم و جذب می‌کردند. **فرهنگ‌های مختلف نیز می‌توانستند از مرزهای جغرافیایی خود از طریق روابط تجاری یا گفت‌وگوهای مستقیم علمی و معرفتی، عبور کنند.**
- ↓ برای نمونه فرهنگ ایرانی در دوره حاکمیت سلوکیان، هویت خود را حفظ کرد. **چین با آنکه از مغولان شکست خورده بود، فرهنگ خود را بر آنان تحمیل کرد.** **نشر و گسترش اسلام نیز متکی بر قدرت سیاسی و نظامی آن نبود بلکه مرهون قوت و قدرت فرهنگی آن بود.** **ایرانیان، به تدریج اسلام را پذیرفتند.** **مسلمانان آسیای جنوب شرقی از طریق تجارت با فرهنگ اسلامی آشنا شدند و به آن روی آوردند.** **مسلمانان جنوب شرق آسیا چگونه با فرهنگ اسلامی آشنا شدند؟**



■ مسابقات بین‌المللی قرآن در مالزی



■ قدیمی‌ترین مسجد شرق آفریقا در شهر زنگبار کشور تانزانیا قرار دارد. این مسجد را ایرانیان در قرن ششم هجری ساخته‌اند.

- ↑ **نمونه‌ای از فرهنگ‌هایی را نام ببرید که در مقابل تهاجم نظامی بیگانه، هویت خود را حفظ کردند**
- ↑ **نمونه‌ای از فرهنگ‌ها را نام ببرید که فرهنگ خود را بر قوم مهاجم تحمیل کردند**
- ↑ **نشر و گسترش اسلام مرهون چه بود؟**

در دو سده نوزدهم و بیستم، سازماندهی سیاسی و اقتصادی جدیدی شکل گرفت، توضیح دهید

فرهنگ غرب از سده هفدهم تا بیستم، شکل جدیدی به روابط میان جوامع با جامعه جهانی بخشید. در دو سده نوزدهم و بیستم، سازماندهی سیاسی و اقتصادی جدیدی شکل گرفت که جوامع غربی را به صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به صورت جوامع پیرامونی درآورد. طی این مدت، فرهنگ کشورهای غیر غربی نیز در حاشیه روابط و سازمان‌های سیاسی و اقتصادی جهانی، وضعیتی متزلزل و آسیب‌پذیر پیدا کرد.

مقایسه کنید

با توجه به آنچه در فصل اول درباره سه مرحله استعمار، استعمار نو و استعمار فرانو گفته شد، موقعیت فرهنگی جوامع غیر غربی را در این سه مرحله، مقایسه کنید.

شکل‌گیری نظام نوین جهانی

در سده‌های هفدهم تا بیستم، اقتصاد گسترده‌ای شکل گرفت که تقسیم‌کارش از مرزهای سیاسی و فرهنگی موجود فراتر رفت و نظامی در سطح جهان با عنوان «نظام نوین جهانی» پدید آمد که جوامع غربی را به صورت مرکز و سایر جوامع را به صورت پیرامون درآورد. جوامع غربی چگونه بر روابط بین‌الملل تأثیر گذاشتند و نظام نوین جهانی چگونه پدید آمد؟

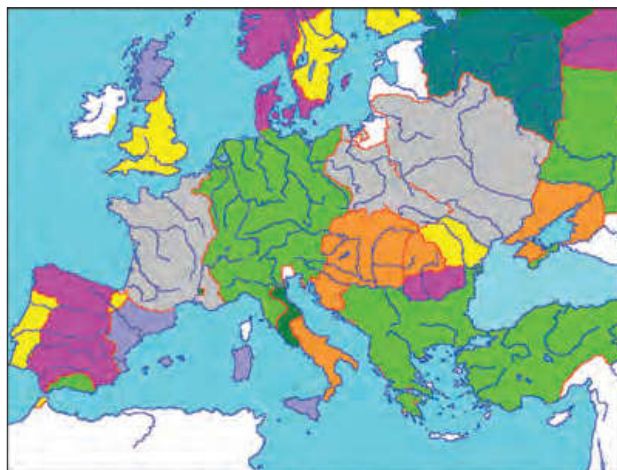
در فرایند تکوین نظام جهانی چه مراحل طی شد، نام ببرید

در فرایند تکوین نظام نوین جهانی، مراحل چهارگانه زیر طی شد:

- 1 • پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار
 - 2 • پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت
 - 3 • به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری
 - 4 • استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی
- چگونگی پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار در فرایند تکوین نظام نوین جهانی را توضیح دهید
- پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار: زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال‌ها و اربابان بزرگ (کنت‌ها و لردها) شد. در نهایت، با انقلاب فرانسه دولت‌هایی شکل گرفتند که به طور رسمی جدایی خود را از دین اعلام کردند. این دولت‌ها بر خلاف حکومت‌های گذشته، خود را نه با هویتی دینی بلکه با ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و خصوصاً نژادی و قومی می‌شناختند. دولت - ملت‌های جدید از این طریق پدید آمدند.
- دولت‌هایی که بعد از انقلاب فرانسه شکل گرفتند، چه ویژگی‌هایی داشتند؟

۱- به کشور از آنجا که اعضای آن خود را یک ملت می‌دانند و یک دولت آنها را اداره و نمایندگی می‌کند دولت - ملت

می‌گویند. دولت - ملت را تعریف کنید.



■ در سال ۱۵۰۰ م در اروپا حدود ۵۰۰ دولت یا بیشتر وجود داشت؛ در ۱۹۰۰ م این تعداد به ۲۵ دولت تقلیل پیدا کرد.

چه عواملی باعث شد که بازرگانان نسبت به زمین داران جایگاه برتری پیدا کنند؟

پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت: رشد تجارت و پرده‌داری، انتقال برده‌های سیاه‌پوست آفریقایی به مزارع امریکایی و انتقال ثروت به جوامع اروپایی موجب شد که بازرگانان نسبت به زمین داران جایگاه برتری پیدا کنند. دولت‌ها برای افزایش قدرت خود به سرمایه و پول بازرگانان

نیاز داشتند و بازرگانان برای تجارت و سود، نیازمند حمایت نظامی دولتمردان بودند. بدین ترتیب، پیوند قدرت با ثروت و تجارت شکل گرفت. صنعت، عنصر دیگری بود که انباشت ثروت سرمایه‌داران

را سرعت بخشید. چگونه در نظام نوین جهانی، پیوند قدرت با ثروت و تجارت شکل گرفت؟

به چه دلیل کشورهای غربی در نظام جهانی جدید، از مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری استفاده می‌کردند؟ به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری: کشورهای غربی به مواد خام،

نیروی کار ارزان و بازار مصرف کشورهای غیرغربی نیاز داشتند. آنها برای تأمین منافع اقتصادی خود نیازمند درهم شکستن مقاومت فرهنگی اقوامی بودند که سلطه و نفوذ آنها را تحمل نمی‌کردند. آنها برای رسیدن به این هدف در وهله نخست از مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری استفاده می‌کردند.



■ به خدمت گرفتن مبلغان مسیحی

کشورهای غربی برای در هم شکستن مقاومت فرهنگی کشورهای دیگر، در وهله نخست از چه ابزارهایی استفاده می‌کردند؟ از مبلغان مذهبی - سازمان‌های فراماسونری

آیا دولت های سکولار غربی در حمایت از مبلغان مذهبی، انگیزه دینی داشتند؟

دولت های سکولار غربی در حمایت از مبلغان مسیحی چه انگیزه ای داشتند؟

[دولت های سکولار غربی در حمایت از مبلغان مسیحی انگیزه دینی نداشتند. آنها همان گونه که در ابتدا برای حذف قدرت کلیسا و ایجاد سیاست سکولار، حرکت های پروتستانی را به خدمت گرفتند، در این مرحله، از تبلیغ مسیحیت برای گسترش جهانی قدرت خود استفاده کردند.] آنان با تبلیغ مسیحیت، فرهنگ عمومی جوامع غیر غربی را دچار اختلال می کردند و از طریق سازمان های فراماسونری نیز بر نخبگان سیاسی آن جوامع تأثیر می گذاشتند.

دولت های سکولار غربی با تبلیغ مسیحیت و سازمان های فراماسونری چگونه بر فرهنگ جوامع غیر غربی تأثیر می گذاشتند؟

بخوانیم و بدانیم

فراماسونری ابزاری برای تخریب جامعه جهانی پیشین و ساختن جامعه جهانی جدید. در قرون وسطی، بناهایی که برای ساختن قصرها و کلیساها در شهرهای مختلف تردد داشتند، با هویت صنفی واحدشان از اشراف، شاهزادگان، مقامات روحانی و همچنین انبوه رعیت که در نظام فئودالی فرصت تحرک اجتماعی و جغرافیایی نداشتند، متمایز بودند. روابط استاد - شاگردی که همراه انتقال مهارت های فنی ایجاد می شد، بر انسجام صنفی این گروه می افزود. بورژوازی و سرمایه داری نوپای غربی که در جامعه، فاقد پایگاه اشرافی یا موقعیت اجتماعی موجهی بود، نظام ارزشی و طبقاتی موجود را مغایر با منافع خود احساس می کرد. هسته های نخستین فراماسونری که بیشتر یهودیان سرمایه دار و زراندوز غربی بودند، با نفوذ در سازمان صنفی بناها که از دو طبقه اشراف و روحانیون متمایز بودند، به گسترش اندیشه های آزادی خواهانه پرداختند. شعارهای آنها علاوه بر مخالفت با نظام اشرافی، هویتی ضد دینی داشت.

آنها تلاش می کردند تاریخچه حرکت خود را به تلاش های حضرت سلیمان عليه السلام برای ایجاد جامعه جهانی نسبت دهند. در تعالیم آنها هر فراماسونر، حیوانی است که با ورود به لژ، به سوی انسانیت حرکت می کند و شایستگی پی ریزی جامعه جهانی مورد نظر را پیدا می کند؛ بنابراین **آرمان سیاسی فراماسونرها جهان وطنی (کاسموپولیتیسیم) است.**

پرداختن به تاریخچه سازمان های ماسونی و نقش آنها در تحولات اجتماعی معاصر غرب به معنای استناد تام این تحولات به شبکه های تشکیلاتی این مجموعه نیست، هر چند که نقش آنها نیز قابل انکار نیست ولی تحولات تاریخی عمیق تر از آن است که به یک گروه سرّی و توطئه و پنهان کاری آنها برگردد. در سلسله علل این تحولات، قبل از شکل های سرّی یا سازمان های سیاسی، نظام های فکری خاصی پدیدار می شوند و آنگاه که اندیشه و تفکری خاص رواج پیدا کند، عناصر مستعد و مناسب خود را از میان گروه های مختلف اجتماعی جذب می کند و سازمان های آموزشی و سیاسی متناسب را پدید می آورد.

دولت های سکولار غربی، از تبلیغ مسیحیت برای چه موردی استفاده می کردند؟ برای گسترش جهانی قدرت خود



■ نمادهای ماسونی در لژ جرج واشنگتن امریکا



■ لژ فراماسونری در ترکیه

سازمان‌های ماسونی یکی از این ابزارهای آموزشی - سیاسی بود که غرب در تکوین خود به آن نیاز داشت. غرب هنگام هجوم به مناطق غیر غربی از این سازمان‌ها برای تأمین نیازهای خود کمک گرفت.

فراماسونرها که در حاکمیت سیاسی کشورهای غربی سهیم بودند، از شیوه‌های ماسونی برای بسط اندیشه‌های غربی در میان رجال و نخبگان سیاسی و اقتصادی کشورهای غیر غربی بهره جستند. آنها با عضوگیری از این گونه افراد، شخصیت و هویت سیاسی آنها را که متعلق به نظام سنتی یا قومی جامعه بومی بود، از آنها سلب می کردند و شخصیت نوین کاذبی را که در ارتباط با فراماسونری غرب بود، به آنان القا می نمودند.

یک فراماسونر غیر غربی که معمولاً از رجال سیاسی کشورش است قبل از آنکه خود را کارگزار دولت خود بداند، برادر و هم مسلک وزیر امور خارجه انگلستان یا پادشاهان کشور غربی می داند که در لژ او یا در لژ دیگر دارای سمت استادی هستند. او با ورود به لژ و آشنایی با تعالیم آن، خود را جزء تشکیلات بزرگی می بیند که در تکوین تمدن غرب نقش دارد و اینک قصد تحول و تبدیل همه جهان و تصرف آن را دارد.

لژهای ماسونی در دهه‌های نخست ورود خود به کشورهای غیر غربی، از جاذبه فرهنگی و سیاسی برخوردار بودند ولی در دهه‌های بعد، پس از آنکه دیدگاه‌های غربی از طریق نظام آموزشی به اندیشه و ذهن جامعه راه یافت، جاذبه فرهنگی خود را از دست دادند و بیشتر به صورت گروه‌های سیاسی باقی ماندند.

استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی: استعمار مهم‌ترین عامل ادغام جوامع غیر غربی

در نظام جهانی جدید بود. کشورهای استعمار زده به دو نوع تقسیم می شوند؛

1 - برخی از آنها توسط استعمارگران به اشغال کامل نظامی درآمدند؛ مانند هندوستان (کمپانی

هند شرقی)، اندونزی (هند هلند) و الجزایر.

کشورهای استعمارزده به دو نوع، تقسیم می شوند، آنها را توضیح دهید . با مثال

2 - ولی جوامعی که از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار بودند و کشورهای غربی نمی توانستند به صورت مستقیم آنها را تحت سلطه سیاسی خود درآورند، از طریق نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نظام نوین جهانی ادغام شدند. در دوره استعمار این گونه جوامع، تحت نفوذ کشورهای استعمارگر قرار می گرفتند و در شرایط نیمه استعماری به سر می بردند؛ مانند چین، عثمانی و ایران. جوامع استعمارزده به رغم مقاومت هایی که طی قرن بیستم انجام دادند، با استعمار نو و فرانو مواجه شدند. جوامع استعمارزده به رغم مقاومت هایی که طی قرن بیستم انجام دادند، با چه نوع استعماری مواجه شدند؟



■ پایگاه نظامی امریکا در ژاپن

بخوانیم و بدانیم



■ بنای یادبود جنگ تریاک در چین

چین که بزرگ ترین کشور شرق آسیا بود، در قرن نوزدهم از طریق تهدید نظامی، نفوذ گروه های مبلغ مسیحی و روابط اقتصادی به صورت کشوری ضعیف درآمد که هر بخش آن تحت تسلط یکی از کشورهای اروپایی بود.

در آن زمان، **عثمانی** بزرگ ترین امپراتوری اسلامی محسوب می شد. قلمرو این امپراتوری از عربستان،

عراق، سوریه، فلسطین، مصر، ترکیه کنونی تا بلغارستان و بالکان گسترده بود و مرزهای جوامع اروپایی را تهدید می کرد. امپراتوری عثمانی نیز در اثر نفوذ گروه های مبلغ مسیحی و فراماسونری، تهدید نظامی و روابط اقتصادی از هم پاشید؛ بخش های عمده ای از آن جدا شدند و ده ها کشور از جمله مصر، سوریه، لبنان، اردن، عربستان، عمان، یمن، عراق و کویت از درون آن سربر آوردند و هر کدام تحت سلطه یکی از کشورهای اروپایی قرار گرفتند.

ژاپن که از قرن هفدهم و بعد از نفوذ مسیحیت، دروازه های خود را به روی کشورهای غربی بسته

بود، با تهدید کشورهای اروپایی مجبور به برقراری روابط تجاری تحت شرایط مورد نظر این کشورها شد.



■ یادمان ۲۶ مبلغ کاتولیک رومی در ژاپن

ایران نیز در این دوره سرنوشتی مشابه چین و عثمانی پیدا کرد. بخش‌هایی در شمال غربی، شمال شرقی و شرق (آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان، افغانستان و ...) از آن جدا شدند و به صورت کشورهای مستقل (افغانستان) یا بخش‌هایی از روسیه درآمدند. بقیه قلمرو ایران در شمال، تحت نفوذ روسیه و در جنوب، تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و از نظر اقتصادی به اروپا وابسته شد. **به این ترتیب، پیکره جهان قدیم فروریخت و جهانی جدید سر برآورد.**

گفت و گو کنید

با توجه به متن بالا درباره هویت کشورهای تازه تأسیس و تاریخی که برای هویت آنها تدوین می‌شود، تأمل و گفت و گو کنید.

با هم تکمیل کنید

| نمونه | پیامدها و نوع چالش‌ها | حالت‌های مختلف جامعه جهانی (براساس ویژگی‌های فرهنگ غالب) |
|--|-----------------------|--|
| فرهنگ اسلام (جامعه ایرانی) | انسجام | اگر فرهنگ غالب، ویژگی‌های مطلوب را داشته باشد |
| مواجهه فرهنگ غرب با اسلام | بین فرهنگی - تمدنی | حضور فعال فرهنگ‌های متفاوت در جامعه جهانی |
| فرهنگ سلطه (تقسیم جامعه جهانی به مرکز - پیرامون) | چالش‌های درونی | اگر فرهنگ غالب، فاقد ویژگی‌های مطلوب را داشته باشد |



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد